

نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری با تأکید بر اصول، اهداف و روشهای تربیتی

اکبر صالحی *

امیر مرادی **

اسماعیل فیروزی ***

دریافت مقاله: ۹۳/۸/۲۸

پذیرش نهایی: ۹۴/۴/۱۴

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی دیدگاه شهید مطهری در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر اصول، اهداف و روشهای تربیتی صورت گرفته است. نوع پژوهش، بنیادی و روش آن توصیفی - تحلیلی و استنباط قیاس عملی است. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز اسنادی (کتابخانه‌ای) است و اسناد مورد تحلیل شامل کتابها، پایان‌نامه‌ها، نشریات داخلی و خارجی، سایتهای معتبر علمی، نظر صاحب‌نظران و پیشینه مطالعاتی و پژوهشها در این زمینه بوده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش کیفی استفاده شده است. از دیدگاه شهید مطهری، نظام تعلیم و تربیت اسلامی بر پرورش انسان مقرب الهی مبتنی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که از دید شهید مطهری، تعلیم و تربیت اهدافی شامل پرورش نیروی تفکر، پرورش حس مسئولیت اجتماعی، پرورش نیروی ایمان و تعبد، پرورش حس زیباگرایی، پرورش نیروی اراده و اختیار و پرورش جسم دارد. همچنین بر مبنای دیدگاه شهید مطهری اصولی همچون هماهنگی با فطرت، اعتدال، جامعیت، نیازآفرینی، توازن، هدایت‌خواهی، حکمت‌جویی، بهره‌گیری از اراده، تلازم علم و عقل، تناسب علم و عقل، انسانیت دوستی، تقابل عقل و جهل و جذب و دفع را می‌توان استخراج کرد. در نهایت به‌منظور تحقق این اصول روشهایی مانند تعقل، استغهام، تبشیر و انذر، محبت و ملاطفت، تکریم، موعظه، عادت دادن و عبادت شناسایی شد.

کلید واژه‌ها: تعلیم و تربیت اسلامی، اصول و اهداف تربیت، روشهای تربیتی اسلامی.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

salehihidj2@yahoo.com

amirmoradi8@yahoo.com

firouzi136690@yahoo.com

** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی

مقدمه

تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتوی تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با برهانهای روشن و احکام و قوانین متین برانگیخت و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد. از این رو، تعلیم و تربیت مهمترین بخش آموزه‌ها و معارف ادیان آسمانی بویژه اسلام را تشکیل می‌دهد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس حکومتی دینی و اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی، ضرورت تغییری بنیادین در تمام نظامات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بویژه در تعلیم و تربیت کشور احساس می‌شد. این ضرورت هم به لحاظ ماهیت فرهنگی و معنوی انقلاب و هم به لحاظ تأثیرپذیری سایر نظامات از نظام تربیتی بود؛ این در حالی بود که آموزش و پرورش بجا مانده از دوران قاجار و پهلوی، روساخت و تقلیدی از نظام تعلیم و تربیت کشورهای غربی بود که با اعتقادات و فرهنگ اصیل مردم مسلمان هماهنگی نداشت؛ زیرا نظام تربیتی غرب بر اساس نوعی جهان‌بینی و فلسفه خاص شکل گرفته است و نمی‌تواند با اصول و مبانی جامعه اسلامی هماهنگی داشته باشد (شکریان، ۱۳۸۸: ۳۱).

بر همین اساس، تبیین مبانی، اهداف، اصول و روشهای تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از منابع اسلامی بسیار لازم و ضروری است؛ اما با توجه به اینکه هر کسی نمی‌تواند مسائل اساسی جهان‌بینی را از منابع و متون دینی به آسانی استخراج کند و نظام فلسفی و تربیتی پدید آورد، لازم بود به نظر عالمان دینی و حکمای الهی و مسلمان مراجعه کرد که مقبولیت لازم را دارا باشند. برای تحقق این هدف آشنایی با مبانی استنباط و اجتهاد در علوم اسلامی و تسلط بر مقدمات تحقیق در قرآن و احادیث و آگاهی از نظریات تربیتی دانشمندان تعلیم و تربیت در اسلام و جهان لازم و ضروری است.

متفکر شهید، استاد مطهری به عنوان اندیشمندی اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی، مسائلی را مطرح کرده است که بررسی و ارائه آنها می‌تواند فضای فکری مشخصی را در تربیت اسلامی به وجود آورد و به کاوشگران عرصه تعلیم و تربیت یاری رساند. این مقاله با توجه به جامعیت علمی و اصالت نظریات و با انگیزه شناخت تعلیم و تربیت ایشان تألیف شده است. در این مقاله نخست، گذری بر دیدگاه استاد مطهری در زمینه‌های معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی

و انسانشناسی شده است؛ سپس به تبیین ماهیت تعلیم و تربیت اسلامی، و در ادامه به تشریح اهداف، اصول و روشهای تربیت اسلامی پرداخته شده که از دیدگاههای شهید مطهری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی از طریق روش استنباط قیاس عملی استنتاج و مشخص شده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی دیدگاه شهید مطهری در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر مشخص کردن اصول، اهداف و روش تعلیم و تربیت اسلامی است.

بیان مسئله

شهید مطهری، اسلام را دینی جامع و همه جانبه می داند که قرار است برای همه انسانها راهنما باشد؛ تعلیم و تربیت را نیز به عنوان بخشی از مکتب اسلام قابل بررسی گسترده می داند و برای آن اهمیت بسیاری قائل است. وی معتقد است در مکتب اسلام قطعاً برنامه آموزشی مشخصی هست. هر مکتب که دارای هدفهای مشخص است و مقررات همه جانبه ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی، سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۶).

تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری بر پنج رکن اساسی مبتنی است: نخستین رکن تعلیم و تربیت اسلامی اهتمام به پرورش فکر و اندیشه آدمیان است. اسلام بر اصل علم آموزی و تعقل تأکید فراوانی کرده و علاوه بر آن درباره ویژگیهای علمی که انسانها باید در پی آموختن آن باشند نیز به تفصیل سخن گفته است. دومین رکن اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش استعدادهای نهفته در وجود آدمی است. از اولویتهای انسانشناسی اسلامی، این است که لوح وجود آدمی در آغاز تولد پاک و بی نقش نیست و خداوند در نهاد همه ابنای بشر پیش از تولد آنها آداب و عقایدی را به ودیعه نهاده است. استاد شهید معتقد است که بواقع تربیت چیزی جز پرورش دادن استعدادهای باطن انسانها نیست.

از دیگر ارکان تعلیم و تربیت اسلامی این است که در اثر آموزش صحیح، فضایل اخلاقی و ملکات نفسانی در وجود آدمی متمکن می شود و روح انسان به آنها «عادت» می کند. بسیاری از نظریه پردازان بزرگ تربیتی در غرب عقیده دارند که «عادت» اصولاً و مطلقاً، ناپسند است؛ مثلاً

روسو در کتاب امیل می‌گوید: «امیل را باید عادت دهم که به هیچ چیزی عادت نکند» (مطهری، ۱۳۸۶: ۸۱). اما در نظریه تعلیم و تربیت اسلامی ایجاد عادات فعلی برای تربیت شوندگان جایگاه مهمی دارد و غفلت از آن روند تربیت دینی را تا حدود زیادی مختل خواهد کرد.

انسانی که به روش اسلامی تعلیم می‌بیند و تربیت می‌شود، باید موجودی «اخلاقی» از کار درآید و این یکی دیگر از ارکان تعلیم و تربیت اسلامی است.

تعلیم و تربیت اسلامی در یکی دیگر از شئون خود بر مسئله «عبادت» مبتنی است. در تفکر اسلامی کمال غایی آدمی آن هنگام محقق می‌شود که او به مرتبه «عبادت» برسد و در هیچ حال و مقامی از ذکر باری تعالی غافل نشود و رسیدن به این مستلزم نوعی خاص از سلوک روحی و جسمی است که جز در ضمن سیستم آموزشی و پرورشی دقیق ممکن نخواهد بود (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۹).

در اندیشه شهید مطهری، تعلیم و تربیت اسلامی، بحث ساختن انسانهاست و مکتب اسلام مکتبی مشخص با هدفهایی معین است که برای دستیابی به این اهداف در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی، انسان را محور اصلی می‌داند؛ انسانهایی که جامعه انسانی را می‌سازند. از آنجاکه در اسلام، هم اصالت فرد محفوظ است و هم اصالت اجتماع، طرح و برنامه ساختن افراد از آنجا که مقدمه و ابزاری برای ساختن اجتماع، و نیز یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت اسلامی است در اولویت قرار دارد. افراد در جامعه اسلامی هم باید آموزش ببینند و هم پرورش پیدا کنند و اسلام راه‌های صحیح این امر را به ما نشان داده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۵ و ۱۶). با بررسیهای پژوهشگران در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی و سایر آثار ایشان و نیز سایر مقالات و تألیفات در مورد اندیشه فکری شهید مطهری، که در فهرست منابع نام آنها آمده است، محققان به موضوعی مشابه با این موضوع برخورد نکردند که با نگاهی جامع، اندیشه تربیتی شهید مطهری را مورد بررسی قرار دهد و از مبنای فکر ایشان اهداف، اصول و روشهای تربیتی را مشخص و استنباط کرده باشد. بنابراین موضوع این پژوهش و ضرورت آن احساس شد که در آن دغدغه اصلی پژوهشگران این است که با نگاهی جامع‌نگر به اندیشه شهید مطهری در شمایی کلی اهداف، اصول و روشهای تربیتی بر مبنای دیدگاه اسلامی وی در مورد معرفت، ارزش انسان مشخص، استخراج و تبیین شود.

روش پژوهش

این پژوهش، کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی) و استنباط قیاس عملی است. تحلیل محتوا، شناخت و برجسته کردن محورها و خطوط اصلی هر متن یا متون مکتوب با هدف فراهم آوردن تحلیلی توصیفی است (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۸۲). هم‌چنین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. بنابراین روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است. هم‌چنین یکی از ویژگیهای بنیادین پژوهشهای کیفی نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۹۰: ۱۷۲). چون محقق در این پژوهش با منابع مکتوب شهید مطهری و استخراج و دسته‌بندی جملات و مضامین مرتبط با موضوع تربیت اسلامی و مبانی تربیتی ایشان و سایر نویسندگان سر و کار دارد، روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. رویکرد قیاس عملی بر این فرض مبتنی است که در پرتوی نظریه‌های کلی و انتزاعی معرفت‌شناسانه، متافیزیکی و اخلاقی دیدگاه‌ها و مکاتب فلسفی، می‌توان رهنمودهای اساسی منطقی را در قالب آموزه‌های تربیتی استنباط و استخراج کرد (رهنما، ۱۳۸۹). بنابراین در پاسخ به سؤال پژوهش، روش استنتاجی به صورت قیاس عملی مطرح، و از طرح پیش‌رونده ویلیام فرانکنا (۱۹۶۶) استفاده می‌شود. در طرح پیش‌رونده با اتکا به مبانی فلسفی و تربیتی شهید مطهری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، حرکت و به استنتاج و مشخص کردن اهداف، اصول و روشهای تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته شده است؛ هم‌چنین به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. اسناد مورد تحلیل نیز شامل کتابها، پایان‌نامه‌ها، نشریات داخلی و خارجی، سایتهای معتبر علمی، نظر صاحب‌نظران و پیشینه مطالعاتی و پژوهشهای انجام شده در این زمینه بوده است.

مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

از آنجا که شهید مطهری، متفکری مسلمان و اسلام‌شناس در ایران و کشورهای مسلمان شناخته شده است، طرز تفکر ایشان همان طرز تفکر فیلسوفی مسلمان نشأت گرفته از قرآن کریم و سنت اهل بیت علیهم السلام است؛ لذا اگر قرار باشد مبانی برای اندیشه تربیتی شهید مطهری در نظر

گرفته شود این مبانی همان خواهد بود که در رئالیسم اسلامی و اندیشه اسلامی برای سایر فیلسوفان و اسلام‌شناسان در نظر گرفته می‌شود. بنابراین اندیشه شهید مطهری در زمینه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسانشناسی از منبع وحی و قرآن کریم و رئالیسم اسلامی نشأت گرفته است.

مبانی تربیت از هستی جهان و انسان و نیز از جایگاه و موقعیت شایسته آدمی در هستی و نیز از قوانین، سنتها، ضرورتها و شرایطی بحث می‌کند که حیات انسان و نحوه تحول در آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، ۱۳۹۰: ۴۵). در اینجا به طور مختصر مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلامی و شهید مطهری تبیین می‌شود:

هستی‌شناسی اسلامی^۱

هستی‌شناسی، بخشی از گزاره‌های توصیفی، تبیینی درباره خداوند و دیگر عناصر هستی است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۹). اهمیت این موضوع به قدری زیاد است که تقسیم‌بندی مکاتب فکری و جبهه‌گیری فلاسفه در طول تاریخ بر همین اساس انجام شده و «مادی بودن یا نبودن»، مسئله مهم و مبدأ حرکت اندیشه‌ها است. استاد مطهری با تأکید بر اینکه جهان‌بینی علاوه بر زیرسازی فکری و فلسفی، دیدگاه انسان به هستی و زندگی و ارزش آن را مشخص می‌کند، قدرت اجرایی مکاتب را نیز وابسته به همین پایه مهم می‌داند. استاد مطهری بر نگاه واقعی به جهان هستی تأکید، و حتی در مقام استفاده از جهان‌بینی مذهبی نیز به بُعد عقلانی و واقعی آن تأکید می‌کنند نه صرفاً بُعد مذهبی و مقدس نسبت به آن؛ از این رو جهان‌بینی اسلامی در عین اینکه جهان‌بینی مذهبی است، نوعی جهان‌بینی عقلانی - فلسفی است (مطهری، ۱۳۷۷)؛ لذا مقوله هستی‌شناسی (جهان‌شناسی، خداشناسی) رئالیسم اسلامی بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت تأثیر دارد. اما تأثیر مستقیم آن بر هدفها و در مرتبه بعدی بر محتواست. درباره هدف به این نکته باید اشاره کرد که هدف غایی و نهایی تعلیم و تربیت در این مکتب براساس هستی‌شناسی خاص آن، که هدف کلی همه آفرینش را قرب الهی و پرورش عبد صالح است و این هدف والا و مهم جهت هدفهای کلی (متوسط یا مرحله‌ای) و جزئی (اجرایی) تعلیم و تربیت را تعیین می‌کند، می‌توان

1 - Islamic Ontology

گفت هستی‌شناسی نظام تربیت اسلامی خدا محور است و توحید (خدا محور) بر کل دستگاه تربیتی و جنبه‌های مختلف آن حاکم است. درباره تأثیر مقوله هستی‌شناسی بر محتوا نیز می‌توان گفت اصولاً محتوای تربیتی و آموزشی به آسانی از هدفهای تربیتی قابل تفکیک نیست؛ به همین دلیل محتوا نیز بعد از اهداف بیشترین و مستقیم‌ترین تأثیر را از هستی‌شناسی می‌پذیرد (شکریان، ۱۳۸۸: ۳۰).

انسانشناسی اسلامی^۱

انسانشناسی، بخشی از مباحث هستی‌شناسی است که درباره انسان به عنوان یکی از عناصر سه‌گانه هستی (خدا، عالم و انسان) بحث می‌کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳). هم‌چنین، آن دسته از گزاره‌های توصیفی، تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از آموزه‌های اسلامی یا معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف ویژگیهای عموم افراد بشر استخراج شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۹). شهید مطهری در مورد انسان قائل به نظریه فطرت است. براساس نظریه فطرت، انسان دارای ویژگیهایی است که به موجب آن زندگی او در حال پیشرفت و تغییر و تحول است و این ویژگیهاست که انسان را به مسیر پیشرفت و جلو پیش می‌برد (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۴۸). شهید مطهری معتقد است که هر کس بالفطره همراه با سلسله ارزشهای عالی و متعالی بالقوه متولد می‌شود. انسان هنگام تولد بالقوه اخلاقی، متدین، خداجو، عدالت‌خواه، جویای معرفت و آزادی است؛ اگر در محیط و تربیت مساعد قرار گیرد این ویژگی بالقوه فعلیت می‌یابد والا فاسد، منحرف و مسخ می‌شود (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۳؛ باقی نصرآبادی، ۱۳۷۷: ۵۲). در این ارتباط است که بحث انسان کامل شهید مطهری شکل می‌گیرد و با معرفی این انسان کامل در حقیقت الگو و راه هدایت و رشد انسان مشخص می‌شود. از نظر شهید مطهری ما اگر انسان کامل اسلام را (چه از راه بیان قرآن و چه از راه شناخت شخصیت پرورده‌های قرآنی) نشناسیم، نمی‌توانیم راهی را برویم که اسلام معین کرده است. شهید مطهری در تبیین و تفسیر انسان کامل می‌فرماید: انسان کامل با فرشته فرق می‌کند. انسان کامل، کمالش در تعادلش و در توازنش می‌باشد؛ یعنی این همه استعدادهای گوناگون که در او هست، این انسان آن‌گاه انسان کامل است که به سوی یک استعداد فقط

1 - Islamic anthropology

گرایش پیدا نکند و استعدادهای دیگرش را مهمل و معطل نگذارد (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۸ تا ۳۰). بر پایه دیدگاه‌های شهید مطهری در مکتب تربیتی اسلام به مسئله استعدادهای انسانی و شناسایی آنها توجه خاص شده است و اسلام به وسیله تنظیماتی به پرورش آن استعدادها اعم از جسمی، روحی، عقلانی و غیره می‌پردازد. نکته قابل توجه که ایشان نیز برآستی به آن اهمیت داده، نگاه جامع مکتب تربیتی اسلام در پرورش همه جانبه استعدادها به صورت یک نظام است و نه نگاه انحصاری به بعضی ویژگیها بدون در نظر داشتن سایر عوامل. مکتب تربیتی انسانی، مکتبی است که هدف آن بیرون از خود انسان نیست؛ یعنی بر اساس به کمال رساندن انسان است. این مکتب باید بر اساس پرورش استعدادها و نیروهای انسانی و بر اساس تنظیم آنها باشد؛ یعنی حداکثر کاری که این مکتب می‌تواند انجام دهد دو چیز بیشتر نیست: یکی اینکه در راه شناخت استعدادهای انسانی انسان و پرورش دادن آنها - و نه ضعیف کردن آنها - کوشش بکند. دوم اینکه نظامی میان استعدادهای انسان برقرار نماید که چون انسان از نوعی آزادی خاص در طبیعت برخوردار است در اثر این نظام هیچ گونه افراط و تفریطی حکمفرما نباشد؛ یعنی هر نیرویی، هر استعدادی حظّ خودش را ببرد و به بقیه تجاوز نکند (حسینی، ۱۳۸۸).

معرفت شناسی اسلامی^۱

هستی‌شناسی، بخشی از گزاره‌های توصیفی، تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است؛ پرسش‌هایی از قبیل امکان و ماهیت معرفت، حدود شناخت، ارزش شناخت، انواع و ابزار شناخت و ... محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۹). شهید مطهری، معرفت حقیقی حقیقت را قضیه ذهنی مطابق با واقع می‌داند. با توجه به این تعریف، ایشان دو شرط برای معرفت حقیقی ذکر کرده‌اند:

۱) وجود علم و صورت ذهنی و مطابقت با واقع که ایشان به پیروی از دیگر فلاسفه، علوم را به حضوری و حصولی تقسیم می‌کند و علم حضوری را علم بی‌واسطه و علم حصولی را علم با واسطه صور ذهنی می‌داند و معتقد است که در علم حضوری، خود واقعیت نزد عالم حاضر است نه صورت آن و به این دلیل، خطاناپذیر است؛ ولی در علم حصولی، صورتی از واقع نزد عالم وجود

1 - Islamic Epistemology

دارد (صورت ذهنی)، پس ممکن است خطا یا صواب و حق باشد (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۸).
۲) با توجه به این نکته باید گفت در علوم حضوری، مطابقت و عدم مطابقت مطرح نیست و این مسئله سالبه به انتفای موضوع است و جایگاه آن بحث مطابقت و عدم مطابقت در علوم حصولی است. علوم حضوری، علمی حق و صواب و عین واقع هستند و تعابیری مثل مطابق و صادق در آنها مسامحی و بیانگر خالی بودن از خطا و غلط است؛ پس یکی از مصادیق معرفت حقیقی، معرفتی است که عین واقع باشد نه مطابق با واقع و تعریف معرفت حقیقی به علم مطابق با واقع مربوط به علوم حصولی است، نه مطلق علم (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۹ و ۴۸). در واقع شهید مطهری همچون فلاسفه مسلمان پیش از خود، شکاکیت و سوفسطاگری مطلق را باطل و بهترین نشانه صحت این ادعا را وجود علوم حضوری و بدیهیات اولیه بشری می‌داند (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

ارزش‌شناسی اسلامی^۱

قلمرویی از مباحث نظری فلسفی است که چیستی و چرایی و چگونگی ارزشها را به شکل عقلانی مطالعه می‌کند. در این حوزه پرسش‌هایی از قبیل چیستی ارزشها و رابطه آنها با واقعیت‌ها، ثبات و تغییر در ارزشها و سلسله مراتب ارزشها مورد بحث قرار می‌گیرد (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۸). مقوله ارزش‌شناسی نیز بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت اثر دارد. اصولاً ارزشهای اخلاقی، روح نظام تربیتی در رئالیسم اسلامی را تشکیل می‌دهد و مانند خونی در تمام پیکره دستگاه تعلیم و تربیت جاری است. از دیدگاه شهید مطهری، کمال انسان در گروی کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل و تقویت گرایشهای فطری است (گرایش به زیبایی، خیر و...). بنابراین در تربیت نیز کمال انسان را قرب خداوندی می‌دانند و این است که به آموزشهای اخلاقی بسیار اهمیت می‌دهند و اصولاً تهذیب، تزکیه و پرورش اخلاقی را بر آموزش و فراگیری دانش مقدم می‌دانند (این تقدم، تقدم رتبی است). از دیدگاه شهید مطهری، کار اخلاقی در ذهن و وجدان بشر دارای ارزش و قیمت است ولی نوع ارزش با ارزشهای مادی متفاوت است (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۱).

مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی

بر اساس دیدگاه اسلامی تعلیم و تربیت، فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). هم‌چنین تعلیم و تربیت اسلامی، شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر است (باقری، ۱۳۸۲: ۴۴). بنابراین، تعلیم و تربیت اسلامی، زیربنای حیات، اساس فضیلت، ریشه حقیقت، نور راه، فروغ جان و راهنمای انسان به سوی سعادت در همه شئون زندگی است (انصاریان، ۱۳۷۶: ۱۳). هریک از نظامهای تربیتی اهداف خاصی را مد نظر دارند و همه فعالیت‌های خود را برای تحقق آنها مصروف می‌دارند. هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله وجود او به طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه‌دار از او سر بزند. فلسفه آفرینش بشر را نیز در همین نکته می‌توان یافت که خداوند انسان را برای این آفرید که او با تربیت صحیح، کمال یابد و به سر منزل مقصود برسد. در نتیجه، تربیت اسلامی به ایجاد وضعیت مناسبی اطلاق می‌شود که زمینه را برای ظهور و بروز استعدادهای فطری آدمی فراهم کند و او را بالنده‌تر و کمال یافته‌تر سازد (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). شهید مطهری که در زمینه تربیت انسان نیز دیدگاه‌هایی دارد با الهام از مکتب تربیتی اسلام معتقد است تربیت، پرورش استعدادهای درونی و به فعلیت درآوردن آنهاست (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۳).

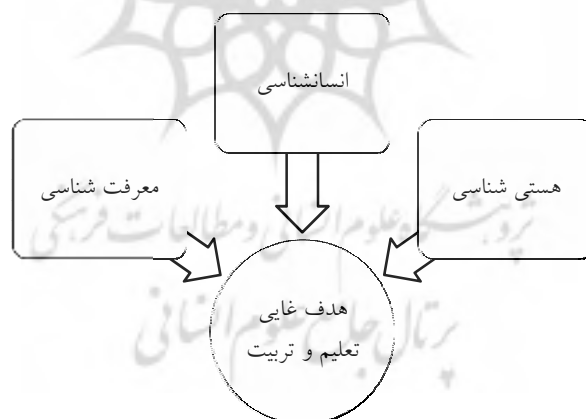
لازم به اشاره است تعلیم و تربیت، بسیار ظریف، دشوار و پیچیده است که به کاردانی، تجربه و اطلاعات گسترده‌ای نیاز دارد؛ بنابراین لازم است مربیان به چند موضوع کاملاً آگاه باشند: الف) ماهیت و حقیقت هستی را بخوبی بشناسند. ب) ماهیت و حقیقت انسان را درک کرده باشند. پ) به هدف تربیت انسان کاملاً آگاه باشند و بدانند که در تعلیم و تربیت او چه هدفی را دنبال می‌کنند. ت) در مورد استعدادهای درونی انسان آگاهی داشته باشند. ث) در راه رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت باید از چه وسایلی استفاده کرد و موانع دستیابی به هدف را نیز باید کاملاً بشناسند (امینی، ۱۳۸۴: ۳۱).

شهید مطهری، که از رئالیست‌های اسلامی است، معتقد است اشیای مستقل از ما وجود دارند

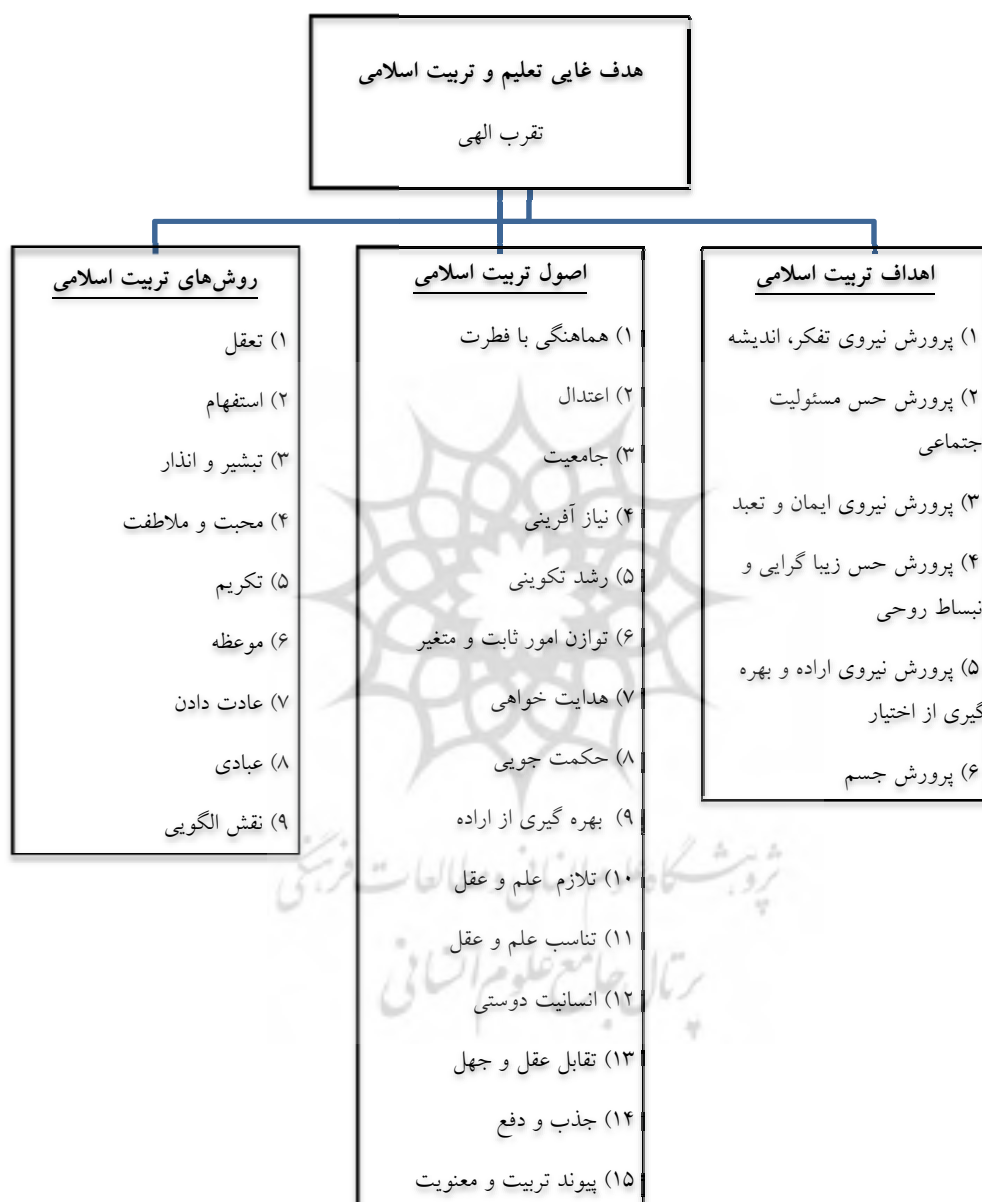
که بعضی از طریق حواس در ذهن تأثیر می‌کنند و ذهن به درک آنها نائل می‌شود و بعضی هم توسط عقل شناخته می‌شود؛ هم‌چنین معتقد بودند غیر از جهان مادی حقایقی نیز هست که بهره آنها از واقعیت کمتر از مادیات نیست (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

تعلیم و تربیت در دیدگاه رئالیسم اسلامی دارای ویژگیهایی است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: (۱) رئالیسم اسلامی نظام تعلیم و تربیت ویژه‌ای دارد. (۲) مقولات فلسفی رئالیسم اسلامی بر جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت تأثیر مستقیم دارد. (۳) بین هستی‌شناسی رئالیسم و علوم که در فرهنگ اسلامی به وجود آمده است ارتباط آشکاری وجود دارد (شکریان، ۱۳۸۸: ۳۰).

حال با توجه به مبانی تعلیم و تربیت و اندیشه شهید مطهری و همچنین با نگاه جامع‌نگر به تألیفات و آثاری که خود ایشان دارند و سایر پژوهشگران در این زمینه قلم فرسایی کرده‌اند، می‌توان طرح اندیشه جامع‌نگر شهید مطهری و ارتباطی را که هر یک از اهداف، اصول و روشهای تربیتی مأخوذ شده از تفکر ایشان در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی به دست می‌آید در دو شمای کلی ذیل مشاهده کرد:



طرح ۱: جایگاه مبانی اساسی تعلیم و تربیت اسلامی شهید مطهری



طرح ۲: اهداف، اصول و روشهای تعلیم و تربیت اسلامی

اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری

هدف، یکی از عناصر اصلی و اساسی تعلیم و تربیت است. هدف در تعلیم و تربیت به معنی وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیتهای مناسب تربیتی انجام می گیرد. هدفهای تربیتی سه کارکرد دارد: ۱- رهبری فعالیتهای تربیتی ۲- ایجاد انگیزه در فرد ۳- ارائه معیار ارزیابی (کاردان و همکاران، ۱۳۷۸: ۵). از قدمهای ضروری دیگر در مسیر امکان و پیدایی تربیت اسلامی، روشنی و آشکاری اهداف نهایی تربیتی است؛ چرا که هر چه این اهداف، روشن تر و برجسته تر باشد، قطعاً جنبه امید بخشی آنها نیز فزونتر و بهتر خواهد بود.

بر اساس تفسیر و تحلیلی که شهید مطهری در بحث از معانی ولایت تکوینی ارائه کرده اند، می توان چنین برداشت کرد که مقام قرب الهی، عالترین درجه و هدفی است که برای حرکت انسان در مسیر حقیقی خود و البته در جهت تحقق حرکت تربیتی، قابل تصوّر است. مقصود از ولایت تکوینی این است که انسان در اثر پیمودن صراط عبودیت به مقام قرب الهی نایل می گردد و اثر رسیدن به مقام قرب - البته در مراحل عالی آن - این است که معنویت انسانی که خود حقیقت و واقعیتی است در وی متمرکز می شود و با داشتن آن معنویت، قافله سالار معنویات، مسلط بر ضمایر و شاهد بر اعمال و حجتّ زمان می شود. وی درباره مفهوم تقربّ به خدا از تفاوت استعمال مجازی و حقیقی در معنای قرب سخن می گوید و درباره معنای قرب به ذات حق از یک اشتباه ناشی از تفکر مادی گری پرده برمی دارد؛ به هر ترتیب، این چنین اهداف بلندی باید کاملاً درخشان باشد تا انسان را شیفته حرکت سازد؛ چرا که «امید»، سرچشمه هر جنب و جوشی است که فرمود: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» (کهف/ ۱۱۰) و انسان امیدوار می تواند جستجوگری کوشا باشد. بنابراین، می توانیم در کل، این بند را در راستای عوامل سه گانه زیر قرار دهیم که: «نیاز» به حرکت و تحرّک، با وجود «خواست» و «خمیر مایه درونی» می تواند انسان را در برداشتن نخستین گامها راهبری و جلوداری کند. اما این نیاز با «ناز و شیفتگی آرمان نهایی» است که به شور و شوقی دیگر می آید و جوشش درونی انسان را جنبشی بیرونی می بخشد و بدین سان، انسان را و تشویق به جولان بیشتری ترغیب می کند؛ چرا که: «و إلى الله المصير» (فاطر/ ۱۸). (حسینی، ۱۳۸۸).

از دیدگاه شهید مطهری، هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی تقرب الهی است؛ لذا نظام تعلیم و

تربیت اسلامی باید مبنای رسیدن به این هدف والای تربیتی را فراهم سازد. برای رسیدن به هدف غایی باید به سایر اهداف تربیت اسلامی نیز نگاه کرد؛ زیرا این اهداف در ارتباط با هدف غایی است. در اینجا لازم به اشاره است، اگر چه ممکن است این اهداف تعلیم و تربیت در اندیشه‌های متفکران غربی هم مطرح شود یا شده باشد، وجوه تمایز این اهداف، که در اندیشه شهید مطهری وجود دارد به دلیل تناسب آن با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، رنگ و بوی الهی و معنوی پیدا می‌کند؛ بنابراین اهداف تعلیم و تربیت در دیدگاه شهید مطهری برخلاف سایر اهدافی که توسط متفکران غیر مسلمان و غربی مطرح است در این مکتب تربیتی در راستای کمال و تقرب الهی و خداگونه شدن است. حال با توجه به اندیشه شهید مطهری برای تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای اندیشه ایشان، اهدافی به شرح ذیل می‌توان شناسایی و تبیین کرد:

(۱) پرورش نیروی تفکر، اندیشه: تفکر، شرط اساسی تسلط بر سرنوشت خود و جامعه است (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۵۶). در میان استعدادهای مخصوص انسان در درجه اول استعداد عقلانی است (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۸۴). اسلام دارای چنین منطقی است که همیشه از عقل استمداد می‌کند و کمک می‌خواهد؛ یعنی وقتی مردم را دعوت می‌کند، عقل مردم را برمی‌انگیزاند (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ۱۶۵). بنابراین مربیان تعلیم و تربیت اسلامی باید در فرایند تعلیم و تربیت، نیروی تفکر و اندیشه شاگردان را تقویت کنند و پرورش دهند.

(۲) پرورش حس مسئولیت اجتماعی: در قرآن آیات زیادی درباره مسئولیت فردی و مسئولیت اجتماعی به چشم می‌خورد. «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». همه شما در برابر یکدیگر مسئول هستید. پیامبر اسلام، تعهد اجتماعی را صریحاً در حدیث معروف خود ذکر می‌کند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»: کسی که صبح از خواب برخیزد و در حل مشکلات مسلمانان اقدام نکند، مسلمان نیست (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ۱۶۶)؛ لذا با توجه به این هدف، مربیان باید در فرایند تعلیم و تربیت، نیروی حس مسئولیت‌پذیری شاگردان را در برابر همنوعانشان پرورش و ارتقا دهند.

(۳) پرورش نیروی ایمان و تعبد: هدف اساسی تربیتی مکتب اسلام پرستش خدای یگانه است «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون». همان‌طور که می‌دانیم عبادت و پرستش خدا یعنی خود را تسلیم حق، و از او اطاعت کردن. آن‌که خدا را می‌پرستد یعنی با تمام وجود از او پیروی، و در مسیر خداشناسی حرکت می‌کند (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ۱۲۹). روح عبادت، تذکر است؛ یعنی به

یاد خدا بودن و از غفلت خدا خارج شدن. قرآن کریم آیات فراوانی در باب عبادت و پرستش دارد: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِي» (طه/۱۴) و «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت/۴۵). عبادت برای تذکر است و هرچه موجب انصراف و غفلت انسان از خدا بشود به نوعی ممنوع (مکروه یا حرام) است، مثل افراط در خوردن، گفتن، معاشرت با افراد و خوابیدن (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۲۶)؛ لذا در پرورش نیروی ایمان در مدارس باید به دنبال سه چیز باشیم: دانش آموزان معارف دینی را درست و مستدل یاد بگیرند. فراگرفته‌های ذهنی آنان به باورهای قلبی تبدیل شود و در اخیر هم رفتار و کردارشان در تمام زمینه‌ها در چارچوب این معارف باشد به گونه‌ای که در شاگردان حالتی از اطاعت متواضعانه در برابر اوامر الهی ایجاد کند.

۴) پرورش حس زیبا گرایی و انبساط روحی: بی گمان شهید مطهری از پیش‌تازان بحثهای مربوط به هنر است. از این روی، کسب معرفت هنری و شناخت زیبایی را سفارش می‌کرد و اهل اندیشه را به مطالعه هنر و فهم جایگاه بلند میراثهای هنری فرا می‌خواند؛ جدای از اینکه بسیاری از بحثهای فلسفه هنر پس از انقلاب اسلامی به ایران راه یافت و در زمان حیات شهید مطهری، ناگفته و ناشناخته مانده بود. از همین در آثار استاد به این بحثهای نوظهور اشاره‌ای نشده است (جلالی، ۱۳۷۸). بنابراین وجود حس زیبا گرایی در فطرت انسان، عاملی است که مرییان با استفاده از آن می‌توانند رغبت و گرایشهای دانش آموزان را به مباحث تربیتی، پرورشی و بویژه تربیت دینی افزایش دهند.

۵) پرورش نیروی اراده و بهره‌گیری از اختیار: شهید مطهری به این مسئله از زاویه نگاه عرفا در بحث منازل سیر و سلوک اشاره کرده است؛ چرا که در عرفان، اولین منزل سیر و سلوک را «اراده» دانسته‌اند و همین نشان از اهمیت دو چندان مسئله دارد. اراده، نوعی شوق و رغبت است که در اثر برهان یا تعبد و ایمان در انسان برای چنگ زدن به دستگیره با استحکام حقیقت پدید می‌آید؛ آن گاه روح و ضمیر به جنبش می‌آید تا به اتصال به حقیقت دست یابد. در نقش و اهمیت اراده تربیتی همین بس که در دیدگاه دینی، مبنا و ملاک ارزش و هویت انسان دانسته شده است؛ چرا که: «قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ...»: ارزش مرد به اندازه همت اوست. در حقیقت، ارزش انسان در این مسیر وابسته به قدم استوار است و این استواری نیز در قلب قوی و نیرومند ریشه دارد: «وَلِيَرْبُطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ الْأَقْدَامَ» (انفال/۱۱)؛ آن هم قلبی و توانی که از اراده راسخ و پا برجایی برخاسته باشد (حسینی، ۱۳۸۸). بنابراین به منظور تحقق این هدف در مدارس لازم است مدیر و معلمان

سرشار از شوق و اشتیاق به کار باشند و روابط صمیمانه‌ای با دانش‌آموزان و با یکدیگر داشته باشند، چرا که این اشتیاق و روابط مطلوب موجب پرورش احساس اعتماد، اراده و دلگرمی برای دانش‌آموزان می‌شود. در چنین مدرسه‌ای، احساس مطلوب ناشی از تجربه خوشایند با روابط مناسب موجود در مدرسه به دانش‌آموزان منتقل می‌شود.

۶) پرورش جسم: تقویت جسم به معنی نیرومند کردن و سالم نگاه داشتن جسم است که در اسلام به آن دعوت شده است. شهید مطهری اعتقاد دارد، تقویت و تربیت جسم برای انسان هدف نیست؛ مطلوب است ولی نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان وسیله و شرط؛ یعنی انسان وقتی جسم سالم و قوی نداشته باشد، روح سالم هم نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۸۶: ۵۰). بنابراین از آنجا که عقل سالم در بدن سالم است، توجه به درس ورزش و تربیت بدنی اساس موفقیت در جنبه‌های دیگر پرورش است؛ چرا که بی‌توجهی به سلامت بدنی و تقویت قوای جسمی، دیگر جنبه‌های تربیتی را دچار مشکل خواهد کرد.

اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری

معمولاً اصول تعلیم و تربیت، قواعد همگانی است که می‌توان آنها را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد؛ یعنی این اصول مبنای استخراج روشهای تربیتی به شمار می‌رود و روشها مترتب و متفرع بر این اصول است (باقری، ۱۳۸۲: ۶۸). هم‌چنین در اینجا لازم به اشاره است، اگر چه ممکن است این اصول تعلیم و تربیت در اندیشه‌های متفکران غربی هم مطرح شود یا شده باشد، وجوه تمایز این اصول، که از اندیشه شهید مطهری مشخص شده است، خدامحور بودن، متکی بر وحی و سنت بودن و توجه به دنیا و آخرت داشتن است. بنابراین اصول تعلیم و تربیت برگرفته از آرای شهید مطهری برخلاف سایر اصول متفکران غربی در راستای رسیدن به تقرب الهی است؛ برای تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری اصولی را می‌توان به این شرح استنباط و مشخص کرد:

۱- اصل هماهنگی با فطرت: شهید مطهری معتقد بودند در وجود انسان از سوی خداوند متعال ویژگیهایی قرار داده شده است که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند؛ خردورزی، حقیقت‌جویی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، خداگرایی و سایر ویژگیهای ذاتی از جمله این استعدادها

فطری است. ایشان اعتقاد داشتند وضعیت زندگی آدمی باید به گونه‌ای سامان یابد که این ویژگیها، که به مثابه بذرهایی است که در زمین آفرینش انسان وجود دارد، رشد کند. تعلیم و تربیت در بین مجموعه اموری که زندگی آدمی را شکل می‌دهد، مهمترین و اثرگذارترین عامل است و باید با استعدادهای عالی فطری هماهنگ باشد. اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد؛ چون تربیت یعنی رشد و پرورش دادن و این براساس قبول کرد نیک سلسله استعدادها و به تعبیر امروزیها یک سلسله ویژگیهای انسان است (مطهری، ۱۳۷۴: ۸). بنابراین مربیان مدارس در زمینه تربیت نباید فقط منظور خود را اعمال کنند بلکه باید به تفاوتهای فردی و گرایشهای فطری دانش‌آموزان توجه، و استعدادهای واقعی هر دانش‌آموز را شناسایی کنند و آن را پرورش دهند بویژه توجه به پرورش فطرت الهی و خداجویی در اولویت تربیت قرار دارد.

۲- اصل اعتدال: اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی. هر کدام از این دو موجب اختلال در بقا، استمرار و سلامت کارها می‌شود. استاد مطهری معتقد بودند هر قوه و استعدادی برای هدف و غایتی ساخته شده است و مجموع آن هم غایتی کلی دارد، ما اگر بخواهیم بفهمیم که یک قوه در حد وسط است یا در افراط و یا در تفریط باید این جهت را کشف کنیم که این قوه اصلاً برای چه آفریده شده است. آنچه برای آن آفریده شده حد وسط است، اگر بیشتر از آنچه برای آن آفریده شده به کار افتد افراط است و اگر کمتر از آن به کار افتد تفریط است. قوه خشم در حدی که انسان از خود دفاع کند، حد وسط آن است. اگر از آن کمتر باشد و انسان به صورت آدم ضعیف توسری خوری درآید، حد نقص و تفریط آن است و اگر بیشتر از آن باشد که انسان به صورت فرد مهاجمی درآید که می‌خواهد توی سر دیگران بزند، حد افراط آن است» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۲۶ و ۱۲۵). بنابراین مربیان تعلیم و تربیت اسلامی در جریان تعلیم و تربیت ضمن توجه به پرورش همه جانبه استعدادهای انسانی در تقویت و پرورش استعدادهای انسان و شاگردان حد اعتدال و میانه روی را محور فعالیتهای خود قرار دهند و هیچ جنبه‌ای از شخصیت شاگردان را فدای جنبه دیگر نکنند.

۳- اصل جامعیت: منظور از جامعیت، همه جانبه‌نگری تعلیم و تربیت اسلامی به ماهیت انسان است. استاد مطهری معتقد بودند هیچ یک از جنبه‌های شخصیت انسان از نظر اسلام دور نمانده است و هر جنبه باید به رشد مقرر خود برسد. اینکه در قرآن، انسان رشید معرفی می‌شود مراد همین

انسان است. رشید یعنی کسی که همه ابعاد وجودی او رشد کرده است. جامعیت در قرآن با اعتدال در تربیت رابطه بسیار نزدیک دارد. ایشان اعتقاد داشتند با تربیت جامع است که می‌توان انسان معتدل به وجود آورد؛ در غیراین صورت هم انسان لطمه می‌بیند و هم تربیت او. مهمترین رکن جاوید ماندن، توجه به همه جوانب مادی، روحی، فردی و اجتماعی است. جامعیت و همه جانبه بودن تعلیمات اسلامی مورد قبول اسلام شناسان است (مطهری، ۱۳۸۰: ۵۹). بنابراین مربیان تعلیم و تربیت اسلامی باید به رشد متوازن و جامع همه جوانب فردی، اجتماعی، مادی و معنوی و... شاگردان توجه کنند.

۴- اصل تأمین نیازهای واقعی (نیاز آفرینی): نیازهای انسان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: بعضی از آنها قابل احساس است؛ یعنی می‌توان آنها را درک کرد. در مقابل آن برخی از نیازها را نمی‌توان احساس نمود مگر اینکه یک کارشناس آنها را به آدمی یادآور شود. سلامت انسان با درک هر دو دسته نیاز و تأمین معقول و منطقی آنها ارتباط پیدا می‌کند. استاد مطهری اعتقاد داشتند در تعلیم و تربیت وظیفه داریم نیازهای اصیل ولی غیرقابل احساس متری را به او بفهمانیم و در جهت تأمین و برطرف کردن آن نیازها تلاش کنیم. اگر تربیت صرفاً بر محور نیازهای محسوس و مادی قرار گیرد، آدمی از مرحله حیوانی خود فاصله زیادی نخواهد گرفت. شرط رسیدن به انسانیت تأمین نیازهای ریشه‌دار غیرمادی است. شهید مطهری در توضیح قانون نیاز فرمودند: قانون احتیاج سه چیز است: اول، باید نیاز به چیزی باشد. دوم اینکه چیز دیگری این نیاز را برطرف نکند. سوم، احساس این نیاز پیدا بشود (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۹ و ۲۸). بنابراین مربیان مدارس نباید تنها به نیازهای مادی دانش‌آموزان توجه کنند بلکه باید با توجه به اصل نیاز آفرینی به استنتاج نیازهای غیرمادی (از قبیل نیاز به دین، محبت، شادی و...) پرداخت و به آنها در مدارس توجه کرد.

۵- اصل تأکید به تربیت دوره کودکی (رشد تکوینی): در اسلام اهتمام زیادی می‌شود که تربیت در سنین کودکی صورت گیرد. اصلاً گفته می‌شود تربیت فن تشکیل عادت است. استاد مطهری اعتقاد داشتند روح انسان در زمان کودکی، حالت قابل انعطافی دارد و هرچه انسان بزرگتر شود، قابلیت انعطاف آن کمتر می‌شود. اینکه گفته‌اند: «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر». البته دانشمندان امروز هم به تربیت دوران کودکی بیشتر اهمیت می‌دهند، البته مبالغه نباید کرد. انسان موجودی قابل تغییر، قابل توبه و قابل بازگشت، و ممکن است در صد سالگی هم خود را تغییر دهد ولی شکی نیست که حالات روحی کم‌کم ملکه، و برگرداندن آنها دشوار می‌شود. از دیدگاه

شهید مطهری می‌توان به آسانی این نکات را استنباط کرد: ۱- تربیت دوران کودکی پایه و اساس است. ۲- در دوره‌های نوجوانی و جوانی نسبت به دوره کودکی امکان تربیت کاهش پیدا می‌کند. ۳- اگر یک صفت در وجود انسان ملکه شد، زدودن آن بسیار مشکل خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۸ و ۷۷)؛ لذا باید به تربیت در مهد کودک و پیش دبستانی توجه بیشتری معطوف شود. مریان این مراکز به اهمیت نقش گفتار و رفتارشان در تربیت کودکان آگاه باشند و ملاک پرورش باید با تأسی به سیره تربیتی ائمه اطهار (ع) مصدر اعمال تربیتی باشد.

۶- اصل توازن کارهای ثابت و متغیر: انسانها از این جنبه، که در انسانیت واحد و مشترک هستند، برخی نیازهای ثابت و مشترک دارند و چون وضع حاکم بر زندگی آنان فرق می‌کند، دائماً در حال تغییر هستند. از طرفی هر کدام از نیازهای ثابت و متغیر در زندگی انسان جایگاه خاص خود را دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. در تعلیم و تربیت نیز باید در همه عناصر اصلی تربیت بین کارهای ثابت و متغیر توازن باشد. شهید مطهری در این باره گفته است یکی از رموز خاتمیت و جاودانی بودن دین اسلام این است که برای احتیاجات ثابت و دائم بشر، قوانین ثابت و لایتنیری در نظر گرفته و برای اوضاع و احوال متغیر وضع متغیری را پیش‌بینی کرده است. پاره‌ای از نیازهای بشر، چه در زمینه‌های فردی و چه در زمینه‌های اجتماعی، وضع ثابتی دارد که در همه زمانها یکسان است. نظامی که انسان باید به غرایز خود بدهد، اخلاق نامیده می‌شود و نظامی که باید به اجتماع بدهد، عدالت خوانده می‌شود و رابطه‌ای که باید با خالق خود داشته باشد و ایمان خود را تجدید و تکمیل کند، عبادت نامیده می‌شود. برای فهم درست نیازهای ثابت و متغیر باید نیازسنجی کرد. نگاه فلسفی و اعتقادی به انسان نیازهای ثابت او را مشخص می‌کند و نگاه علمی و تحقیقی به انسان، نیازهای متغیر او را نشان می‌دهد. آنچه تحت عنوان استعدادهای عالی در انسان مطرح است، زمینه‌های شناخت نیازهای ثابت آدمی به شمار می‌رود و آنچه موقعیت زمان نامیده می‌شود نیازهای متغیر را جهت می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۰: ۶۶ - ۵۹). بنابراین برنامه‌ریزان و مربیان مدارس باید برای فهم نیازهای ثابت و متغیر دانش‌آموزان نیازسنجی کنند؛ چرا که هر قدر این نیازسنجی دقیقتر باشد، برنامه‌های آموزشی و تربیتی آنها با حرکت رشد و کمال شاگردان هماهنگتر خواهد بود.

۷- اصل هدایت خواهی: شهید مطهری اعتقاد داشتند تعصب ما به اسلام و کسانی که زیر لوای اسلام زندگی می‌کنند، نباید در حدی باشد که علیه آنها بی که زیر لوای اسلام نیستند، بدخواه باشیم و هدایت آنها را از خداوند متعال طلب نکنیم. وقتی اینها (افراد ضد اسلام) هدایت نمی‌شوند

و گذشته از این به صورت خار در سر راه دیگران در می آیند، باید به آنها به چشم مانع نگاه کرد ولی نباید بدخواهشان بود. حتی انسان، بدخواه ابوجهل هم نباید باشد و مثلاً بگوید خدا نکند که ابوجهل مسلمان شود و به شهادت برسد. نباید آرزو کنیم که مانند ابوجهل ها یک وقت راه به حق پیدا نکند (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۵۷). بنابراین مربیان مدارس به هیچ بهانه‌ای نباید از تربیت متریان خود ملول شوند و مسئولیت خود را تمام شده تلقی کنند. با توجه به این اصل مربی اسلامی باید از تلاش برای ساختن و تأثیرگذاری بر روح و روان مربی خود در جهت هدایت الهی لذت ببرد و این کار را عبادت تلقی کند.

۸- اصل حکمت جویی: حکمت به معنای برهان خالص است. گاهی برهان قوی نیست و به شائبه‌های گوناگون آلوده است و تأثیر لازم را در شنونده به جا نمی‌گذارد و هدایت نمی‌کند. قرآن مجید حکمت را به حضرت لقمان به عنوان موهبتی الهی طرح می‌کند. این حدیث، معروف است که «الحکمه ضاله المؤمن»: حکمت، گمشده مؤمن است. حکمت بدون شک یعنی علمی که محتوای حقیقت باشد؛ علمی که استحکام و پایه داشته باشد. حالت مؤمن برای دریافت حقایق باید حالت کسی باشد که شیء نفیسی از او گم شده و دائماً در جستجوی آن است. شهید مطهری در این باره معتقد بودند جایگاه حکمت‌آموزی در تفکر اسلامی دو نکته مهم را به برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت و مربیان یادآور می‌شود: یکی اینکه در اهداف و محتوای تربیت، حکمت را به عنوان محور اساسی مورد توجه قرار دهید. دوم اینکه برای حکمت‌آموزی به پیام حکیمانه توجه کنید نه به آنان که حکمت را در اختیار دارند. براین اساس می‌توان در تعلیم و تربیت از یافته‌های تربیتی غیرمسلمانان برای دستیابی به اهداف نظام اسلامی بهره گرفت (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۷۷). بنابراین مربیان باید متریان خود را به سوی برهانهای خالص راهنمایی کنند.

۹- اصل بهره‌گیری از اراده: استاد مطهری اعتقاد داشتند انسان موجودی مختار و با اراده است که کارهای خود را با اختیار انجام می‌دهد. به همین دلیل خداوند متعال، یافتن و حرکت کردن در راه راست را برعهده خود افراد گذاشته است. هدایت الهی با اکراه و اجبار انجام نمی‌پذیرد بلکه از درون باید بجوشد. آیات و روایات متعدد این معنا را تأیید کرده است. «یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم»: «آنانی که ایمان آورده‌اید، خداوند شما را به خودتان سپرده است». استاد مطهری معتقد بودند که در حوزه تعلیم و تربیت هم باید از این قاعده پیروی کرد. باید وضع را طوری ساماندهی کنیم که آنها با اراده خود و با انگیزه قلبی به سوی کسب فضایل اخلاقی و صفات انسانی حرکت

کنند. اگر رفتاری را بدون اقتناع درون به افراد تحمیل کنیم، آنان پس از مدت کوتاهی به خود ما پس خواهند داد و هرگز به رفتار دینی قوی و ریشه‌دار تبدیل نمی‌شود. انسان اگر در تاریکی حرکت کند، مطلوب خودش را گم می‌کند. در نیاز به عقل بحثی نیست، ولی سخن در این است که عقل و علم در واقع مکمل یکدیگر است؛ به عبارت دیگر عقل روشنایی است و محیط را روشن می‌کند و می‌فهمد که اگر بخواهد به فلان مقصد برسد از اینجا باید برود. این وسیله است برای آن مقصد و آن وسیله است برای این مقصد. ولی آیا فهمیدن و دانستن کافی است که اراده انسان بر تمایلات او حکومت بکند؟ خیر؛ چرا که انسان فی حد ذاته این‌طور است که دنبال منافع خودش می‌رود و اراده‌اش تا آن اندازه که ممکن است بر میلهایش حکومت بکند که منافعش اقتضا می‌کند (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۲۲). بنابراین مریبان باید در محیط آموزشی طوری رفتار کنند که شاگردان با اراده خود و با انگیزه قبلی به سوی کسب فضایل اخلاقی و صفات انسانی حرکت کنند؛ چرا که بسیاری از مشکلات رفتاری شاگردان در محیط آموزشی به افراط‌های مریبان مربوط می‌شود. چون اگر رفتاری را بدون اقتناع درونی به شاگردان تحمیل کنیم آنان پس از مدت کوتاهی به خود ما پس خواهند داد و هرگز به رفتار دینی قوی و ریشه‌دار تبدیل نمی‌شود.

۱۰- اصل تلازم و تناسب علم و عقل: استاد مطهری در این رابطه گفته‌اند عقل و علم به یکدیگر نیاز دارد و باید همراه باشد. عقل برای اندیشیدن به علم نیاز دارد و علم برای رشد و توسعه به عقل نیازمند است. معمولاً در دو حالت برای آدمی سؤال طرح نمی‌شود و در نتیجه عقل به کار نمی‌افتد: یکی حالتی که انسان دوباره یک چیز همه مطالب را بداند و دوم حالتی که هیچ چیز نداند. بنابراین شرط تعقل، علم آموزی است. اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد یا ماده خامش کم است که قهراً نمی‌تواند کار بکند یا محصولش کم خواهد بود. محصول بستگی دارد به اینکه ماده خام برسد. اگر کارخانه ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند باز فلج است و محصولی نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۵). امام موسی کاظم (ع) در روایتی می‌فرماید: «یا هشام تَمَّ بَيْنَ أَنْ الْعَقْلَ مَعَ الْعِلْمِ» (کلینی، ۱۴۰۰: ۲۲).

بنابراین همراه بودن علم و عقل لازم است ولی کافی نیست. علاوه بر تلازم باید تناسب نیز باشد؛ به عبارت دیگر کارخانه عقل با هر ماده خام کار نمی‌کند. دو وجه برای این تناسب می‌توان در نظر گرفت: وجه اول، تناسب از جهت قوه عقل است. هر مرحله از رشد عقل توان خاص خود را دارد و بدون توجه به آن نمی‌توان باعث رشد عقلانی شد. وجه دوم از جهت ماهیت علم و عقل

است. عقل نور است و برای هدایت شدن در وجود انسان قرار داده شده است. علم هم باید نور باشد؛ یعنی دانستنی‌ها و معلومات درباره اموری باشد که دانستن آن برای رشد و کمال انسان ضروری است (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۸۳). بنابراین با توجه به این اصل، محیط‌های آموزشی باید طوری سازمان یابد که اول دانش‌آموزان را عالم، و مواد خام را برای آنها فراهم کند؛ سپس کارخانه عقل این علوم را تجزیه و تحلیل کند؛ چرا که اگر ما عقل قوی مثل بوعلی سینا داشته باشیم و قرآن هم بگوییم که «تاریخ» عبرت بسیار خوبی است ولی چون از تاریخ اطلاعاتی ندارم، عقل من چه می‌فهمد؟ لذا باید ابتدا با علم آنها را کشف، و سپس با عقل هم درک کنیم و با معرفت الهی تعمق بخشیم.

۱۱ - اصل انسانیت دوستی: در تعلیم و تربیت، انسان‌دوست باید باشیم یا انسانیت دوست؟ شهید مطهری معتقد بودند ضمن احترام به انسان، انسانیت بیش از انسان محترم و ارزشمند است. اگر انسانی ارزشمند تلقی می‌شود به دلیل ارزشهایی است که در وجود او نهاده شده است. شهید مطهری می‌گوید: یک وقت می‌گوییم انسان، یعنی این هیكل خاص که در همه این افراد مشترک است و انسان را دوست داشته باشیم؛ یعنی هرکسی را که از نسل آدم هست دوست داشته باشیم و خلاصه منظور از انسان، انسان زیست‌شناسی، آن که زیست‌شناسی او را انسان می‌داند؛ آیا مقصود این است یا نه مقصود «انسان بما هو انسان است»؛ یعنی انسان به خاطر ارزشهای انسانی، به خاطر انسانیت و انسان‌دوستی یعنی انسانیت دوستی. انسان را باید دوست داشت به خاطر انسانیت نه به خاطر همین هیكلش و به عبارت دیگر انسانیت را باید دوست داشت» (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۵۹)؛ لذا برنامه‌ریزان و مربیان تعلیم و تربیت دو نکته مهم را باید مورد توجه قرار دهند: ۱ - در کلاس درس همه دانش‌آموزان را صرف‌نظر از نژاد و فرهنگ مورد توجه تربیتی قرار دهند؛ چون همه آنان از فطرت الهی برخوردارند و مربیان امانتدار فطرت الهی هستند. ۲ - محتوای تعلیم و تربیت و روشهای آن را برمحور ارزشهای انسانی و الهی تنظیم کنند تا فطرت الهی در آنها شکوفا شود.

۱۲ - اصل جذب و دفع: استاد مطهری اعتقاد داشتند انسان موجودی متفکر، عاطفی و حقیقت‌خواه است؛ نمی‌تواند با همه انسانها و با همه موقعیت‌ها به طور یکسان رو به رو شود. اصل جذب و دفع یکی از اصول و قوانین حاکم بر هستی است و به یک اعتبار یک قاعده هستی است. از نظر جوامع علمی امروز بشر، مسلم است که هیچ ذره‌ای از ذرات جهان هستی از دایره حکومت جاذبه عمومی خارج نبوده و همه محکوم آنند (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۷). قسمت عمده‌ای از دوستی‌ها و

رفاقتها و یا دشمنی‌ها و کینه‌توزیها، همه مظاهری از جذب و دفع انسانی است. (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۹). با توجه به این مطالب از اندیشه شهید مطهری می‌توان نتیجه گرفت که در روابط انسانی در تعلیم و تربیت می‌توان به تأثیرگذاری تربیتی بین مربی و متربی و متربیها با یکدیگر جهت بهتری بخشید. هر قدر بین تجربه‌های قبلی دانش‌آموزان و هر یادگیرنده دیگر با گفتار و رفتار مربی همسویی و سنخیت باشد به همان اندازه پیامهای تربیتی تأثیر زیادی خواهد گذاشت. البته معنای این نکته آن نیست که معلم هر دانش‌آموزی را که از جهت تجارب و تصورات با باورهای او هماهنگ نیست باید طرد کند، بلکه به این معناست که تا معلم نتواند سنخیت بین او و خود به وجود آورد، نمی‌تواند در او اثر بگذارد (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۳). بنابراین مربیان باید سعی کنند شاگردانشان را بتدریج با روحیه جذب و دفع پرورش دهند؛ چرا که اگر فقط جاذبه داشته باشند، همه دانش‌آموزان با هر نوع فکر و اندیشه‌ای وارد می‌شوند و مرز حق و باطل در نظر آنها با هم خلط می‌شود و اگر فقط دافعه باشد، امکان و فرصت تأثیرگذاری، آدم‌سازی و توسعه امت اسلامی از دست می‌رود.

۱۳ - اصل پیوند تربیت با معنویت: به اعتقاد شهید مطهری بین تربیت و معنویت رابطه ذاتی وجود دارد. در همه اجزا و عناصر تربیتی باید از طریق دعا و نیایش جهت فعالیتها را به سوی خداوند معطوف کنیم تا هدفهای تربیتی تحقق یابد. به قدری این ارتباط تربیت و معنویت قوی است که اگر برخی ارزشهای انسان، که مورد قبول دین اسلام هم هست در وجود کسی باشد نهایتاً آن انسان به سوی معنویت الهی حرکت خواهد کرد. اگر انسان علاقه‌مند به تربیت خودش و فرزندانش به تربیت اسلامی هست و یا می‌خواهد افرادی را تربیت کند، واقعاً باید به مسئله نیایش، دعا و عبادت اهمیت بدهد و اصلاً عبادت، قطع نظر از اینکه پرورش حس اصیل است، تأثیر زیادی بر سایر نواحی آن دارد (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۴۱)؛ بنابراین مربیان و مسئولان مدارس باید به معنویت (دعا، نیایش و عبادت) در فرایند آموزش و تربیت توجه کنند.

روشهای تربیتی

برای رسیدن به هدفهای تربیتی بر اساس اصول و قواعد تعلیم و تربیت باید از روشهایی بهره جست. بر این اساس مجموعه راهبردهایی که با بهره‌گیری از اندیشه والای شهید مطهری می‌توان

آنها را روش نامید به این شرح ارائه می شود:

۱ - تعقل: عقل یکی از سرمایه های انسانی و نعمتهای الهی است که پرورش آن، آدمی را در مسیر رشد و کمال هدایت می کند (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵۱). اسلام دین طرفدار عقل است و به نحو شدیدی هم روی این امر تکیه کرده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۸۴). استاد مطهری در این باره اعتقاد داشتند یکی از بهترین راه هایی که اولیا و مربیان در تعلیم و تربیت می توانند از آن استفاده کنند، پرورش و تقویت نیروی عقل است؛ زیرا عقل در تعدیل و کنترل تمایلات حیوانی و دعوت به کارهای نیک و تقید به مکارم اخلاقی، نقش بزرگی را ایفا می کند. عقل برای انسان بهترین راهنماست. مشکلات اخلاقی و اجتماعی انسانها غالباً معلول جهالت و ضعف نیروی عقلی آنهاست. اگر عقل نیرومند باشد، زمام کشور نفس را در اختیار می گیرد و آن را بر طبق مصالح واقعی اداره می کند و چنین فردی سعادتمند خواهد شد (امینی، ۱۳۸۴: ۳۲۴). تفکر درباره کارها، شیوه تربیتی است؛ ضمن اینکه تقویت فکر به عنوان هدف تربیتی به شمار می رود به این دلیل که به وسیله اندیشیدن می توان اندیشه را تقویت کرد؛ لذا می توان از آن به عنوان روش نیز یاد کرد (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

۲ - استفهام: یکی از روشهای قرآن در تعلیم و تربیت، استفهام است. در استفهام از طریق طرح سؤالات انسان به تدبیر و تأمل می پردازد و او را به فهم عمیقتر موضوع راهنمایی می کند. در اندیشه شهید مطهری از این روش به عنوان روش بسیار خوب تعلیم و تربیت یاد می شود (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). دقت و سوال کردن یکی از بهترین عوامل تقویت نیروی عقل است. انسانی که در شناخت کارها، کنجکاو می کند اگر به واقع نرسد باز هم آن را رها نمی کند و از دانشمندان و اهل اطلاع سؤال می نماید؛ آن قدر به کار خویش ادامه می دهد تا به مطلوب برسد، چنین انسانی کم کم عقل خویش را تقویت می کند و برای فهم و درک کارهای بسیار مهم و دشوار آماده می شود (امینی، ۱۳۸۴: ۳۴۸ و ۳۴۷).

۳ - تبشیر و انذار: تبشیر مژده دادن است و از مقوله تشویق است. استاد مطهری اعتقاد داشتند همه انسانها حتی بزرگسالان تا آخر عمر به تشویق نیاز دارند. تشویق موجب رغبت، دلگرمی، نشاط و تحرک می شود و انسان را به جدیت وادار می کند. تشویق حس خودپسندی و حب ذات انسان را اقناع می کند و موجب قوت قلب و نشاط می شود؛ برعکس، نکوهش و ناسپاسی شخصیت انسان را تحقیر می نماید و موجب افسردگی و ملال می گردد. وجود تشویق و تنبیه برای پرورش انسانها

ضروری است (امینی، ۱۳۸۴: ۴۳۰ و ۴۲۹).

۴ - محبت و ملاطفت: از دیدگاه شهید مطهری، انسان به محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن نیاز دارد. اگر این نیاز آدمی تأمین نشود، مشکلات روحی و اختلالات عاطفی و روانی متعددی برایش به وجود می‌آید و رابطه آنها را با یکدیگر مختل می‌سازد (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). محبت در قاموس قرآن معبد، قرین دو ویژگی است: اولاً با حقیقت همراه باشد. ثانیاً خیر و مصلحت جامعه در آن باشد نه فرد. محبت این نیست که هرکسی را در تمایلاتش آزاد بگذاریم و یا تمایلات او را ارضا کنیم. محبت این است که با حقیقت همراه باشد. به علاوه، محبت منطقی و عاقلانه این است که خیر و مصلحت جامعه بشریت در او باشد نه خیر یک فرد و یا یک دسته مخصوص (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۵).

۵ - تکریم: استاد مطهری معتقد بودند خداوند انسان را با عزت و کرامت آفرید و با این ویژگی او را بین همه موجودات عالم متمایز کرده است. به همین دلیل انسان حافظ و مراقب کرامت خود است و اگر فردی با حرف یا عمل، حس کرامت او را مورد حمله قرار دهد در مقابل آن می‌ایستد و مخالفت می‌کند: «اطلبوا الحوائج بعزه الانفس» (نهج الفصاحه، حدیث ۲۵: ۶۴). با توجه به این قاعده، که با تکیه بر آموزه دینی مطرح می‌شود، شهید مطهری معتقد بودند که می‌توان به معلمان و مربیان توصیه کرد که در رویارویی با دانش‌آموزان و فرزندان، کریمانه برخورد، و از هرگونه اقدام تحقیر آمیز پرهیز کنند و با ارزش قائل شدن به شخصیت و رفتارهای مثبت افراد، آنان را تکریم، و حس با ارزش بودن را در آنان تقویت کنند (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

۶ - موعظه: وعظ هم‌چنانکه در قرآن آمده یکی از شیوه‌های سه‌گانه دعوت (حکمت، موعظه، مجادله به نحو احسن) است. از دیدگاه شهید مطهری تفاوت موعظه و حکمت در این است که حکمت تعلیم است و موعظه تذکار؛ حکمت برای آگاهی است و موعظه برای بیداری؛ حکمت مبارزه با جهل است و موعظه مبارزه با غفلت؛ سروکار حکمت با عقل و فکر است و سروکار موعظه با دل و عاطفه؛ حکمت یاد می‌دهد و موعظه یادآوری می‌کند؛ حکمت چراغ است و موعظه باز کردن چشم برای دیدن؛ حکمت برای اندیشیدن است و موعظه برای به خود آمدن؛ حکمت زبان عقل است و موعظه پیام روح. از این رو شخصیت‌گوینده (با تأکید بر مربیان و معلمان) در موعظه نقش اساسی دارد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۷).

۷ - عادت دادن: استاد مطهری در تشریح روش عادت دادن گفته‌اند اصولاً عادت یکی از

رفتارهایی است که زمینه آن در انسان وجود دارد و اگر چنین زمینه‌ای وجود نداشت، کسب عادت به هیچ طریقی ممکن و میسر نمی‌شد. مربیان باید امکان تکرار یک عمل را به وسیله کودکان و نوجوانان فراهم سازند و انجام دادن برخی رفتارهای مطلوب را برای آنان آسان کنند (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵۹). عادت، کاری را که بر حسب طبیعت برای انسان دشوار است آسان می‌کند. گاهی انسان می‌خواهد کاری را انجام دهد که بر خلاف طبیعت اوست. طبعاً وقتی سنت برای انسان عادت شد و به صورت ملکه درآمد، آن دشواری در مبارزه با طبیعت از میان می‌رود (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۵).

۸ - عبادی: شهید مطهری ارزش خاصی برای تربیت به روش عبادی قائل بودند. ایشان اعتقاد داشتند اگر انسان به تربیت اسلامی خود و فرزندانش علاقه‌مند هست و یا می‌خواهد افرادی را تربیت کند، واقعاً باید به نیایش، دعا و عبادت اهمیت بدهد و اصلاً عبادت، قطع نظر از اینکه پرورش حس اصیل است، تأثیر زیادی در سایر نواحی انسان دارد (ملکی به نقل از مطهری، ۱۳۸۴: ۱۶۰).

۹ - نقش الگویی: شهید مطهری در تشریح روش الگویی معتقد بودند تحقق تربیت اسلامی بدون وجود الگوهای کامل تربیتی به عنوان مظاهر عینی و نمودهای بیرونی به فرجام استواری نخواهد رسید؛ چرا که حرکت انسان در این راه می‌تواند دستخوش رهنیهای گوناگونی شود و آنچه توانایی یاری رساندن به او را دارد، «دستگیری تربیتی» از سوی یک ولی والا است. وجود نمونه‌های اعلای تربیتی و راستین بشری این نوید عالی را در پی دارد که این راه، پیمودنی است و «انسان» می‌تواند «حرکت»، آغاز کند و نیک، پیش رود. شهید مطهری در چند اثر خود از حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان نمونه انسان کامل نزد قرآن یاد کرده که قابل تأسی و الگوبرداری است (حسینی، ۱۳۸۸). آنچه در این روش مورد نظر است این است که خود مربی به طور غیر مستقیم می‌تواند نقش الگویی داشته باشد. هم‌چنین روش معرفی الگوهای مثبت با تأسی از قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام از جانب مربیان تعلیم و تربیت اسلامی در پرورش دانش‌آموزان بسیار مهم و کارساز است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت رئالیسم اسلامی نظام ویژه تربیتی دارد که بر جهان‌بینی آن مبتنی است. کمال این نظام تربیتی به کمال و برتری نظام فلسفی (جهان‌بینی) آن برمی‌گردد که نظامی است همه‌جانبه و عالی (حکمت متعالیه) (شکریان، ۱۳۸۸: ۳۴). از دیدگاه شهید مطهری، تعلیم و تربیت اسلامی در میان تمامی سازوکارهای اجتماعی که زمینه‌ساز تحقق تقرب الهی است، نقشی مهم و اساسی را ایفا می‌کند. تعلیم و تربیت اسلامی با ایجاد زمینه‌های مناسب کسب آمادگی برای تحقق تقرب الهی نقشی حیاتی را بر عهده دارد (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۷). تحلیل جامع نگر اندیشه تربیتی شهید مطهری وجوه تمایز اندیشه ایشان را با سایر اندیشه‌های تربیتی در غرب مبرهن می‌سازد و می‌توان گفت ویژگی برجسته همه مباحث استاد مطهری، جنبه عقلی و کاربردی بودن آنهاست.

اهداف تعلیم و تربیت اسلامی شهید مطهری در راستای تحقق نتیجه اختصاصی و هدف کلی (تقرب الهی) تعریف می‌شود. این اهداف مجموعه‌ای از شایستگی‌های مربوط به درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آنهاست که فراگیران در جهت تحصیل آمادگی برای تحقق مراتب تقرب الهی در همه ابعاد برای تکوین و تعالی هویت خویش، باید آنها را کسب کنند. اصول ناظر به چگونگی عملی شدن جریان تعلیم و تربیت اسلامی و در جهت تحقق رسالت و اهداف آن است. به همین دلیل نوع اهداف تربیتی در چگونگی شکل‌گیری نوع اصول تأثیر مستقیم دارد. نظر به اینکه از دیدگاه شهید مطهری، هدف غایی نظام تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت انسان الهی است و در پی آن، اصول و روشهایی که ارائه شد به تحقق این هدف کلی و سایر اهداف کمک می‌کند، بدون تردید برنامه‌ریزان و مربیان با توجه به این اهداف، اصول و روشها می‌توانند به دانش‌آموزان و دانشجویان در تربیت اسلامی یاری رسانند و زمینه تحقق هدفهای تربیت اسلامی را فراهم سازند. تأمل و تفکر در اصول، اهداف و روشهای تربیتی شهید مطهری، تناسب بین آنان و هدف غایی تربیت اسلامی را آشکار می‌سازد.

با توجه به این مطالب به این نتیجه نهایی می‌رسیم که از دیدگاه شهید مطهری، مربیان باید متربیان را مطابق استعدادها، علایق و طبق قوانین مسلم اسلامی تربیت کنند و راه اعتدال را پیش گیرند؛ جسم‌شان را آن‌طور که شایسته است برای ادامه زندگی تقویت کنند؛ روحشان را با اخلاق

و تربیت الهی عجین نمایند؛ از عبادت و دعا کمک بگیرند و در اصلاح آنها از اخلاق و تربیت اسلامی استفاده کنند؛ سبک زندگی خود و متریان را با الگو قرار دادن زندگی و سیره عملی پیامبر و ائمه اطهار(ع) بسازند.

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۳). *فلسفه تربیت*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴). *اسلام و تعلیم و تربیت*. قم: بوستان کتاب قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- انصاریان، حسین (۱۳۷۶). *نظام تربیت در اسلام*. قم: انتشارات ام‌ایبها.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. ج اول. تهران: انتشارات مدرسه.
- باقی نصر آبادی، علی (۱۳۷۷). *سیری در اندیشه‌های اجتماعی استاد شهید مطهری*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۸). *زیباشناسی در اندیشه فلسفی شهید مطهری*. *مجله حوزه*. ش ۹۱: ۳۳۶-۳۱۵.
- حافظ، فرزانه (۱۳۸۷). *نهج الفصاحه*. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی دینی - تربیتی از منظر شهید مطهری*. *نشریه معرفت*. س هجدهم، ش ۱۴۱: ۱۳-۳۶.
- رهنما، اکبر (۱۳۸۹). *نقادی رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت*. کتابچه نخستین همایش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸). *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سجادی، جمال (۱۳۷۷). *سیری در اندیشه‌های استاد شهید مطهری*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شکریان، مریم (۱۳۸۸). *مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه دو مفسر بزرگ معاصر*. *مجله کوثر*. ش ۳۰: ۲۹-۳۴.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۸). *تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کاردان، علی‌محمد و همکاران (۱۳۷۸). *فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحق (۱۴۰۰). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: نشر اسلامی.
- محمدی، مهدی (۱۳۸۰). *تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری*. *مجله کیهان فرهنگی*. شماره ۱۸۱: ۲۶-۲۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). *گفتارهای معنوی*. تهران: انتشارات صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). فلسفه اخلاق. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). ده گفتار. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). جامعه و تاریخ. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). سیری در سیره نبوی. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). فطرت. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری. نشریه علوم انسانی مصباح. ش ۵۰: ۱۰۳ تا ۱۲۶.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت اسلامی: «رویکرد کلان‌نگر». تهران: انتشارات عابد.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند مبنای نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران.

